



مقالات: جایگاه حقوقی انرژي هسته ای جمهوری اسلامی ایران (در پرتو بررسی قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد)

پدیدآورنده (ها) : حمیدزاده، رضا

حقوق :: نشریه قضاوت :: آبان و آذر ۱۳۸۵ - شماره ۴۱

صفحات : از ۵۴ تا ۵۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/334394>

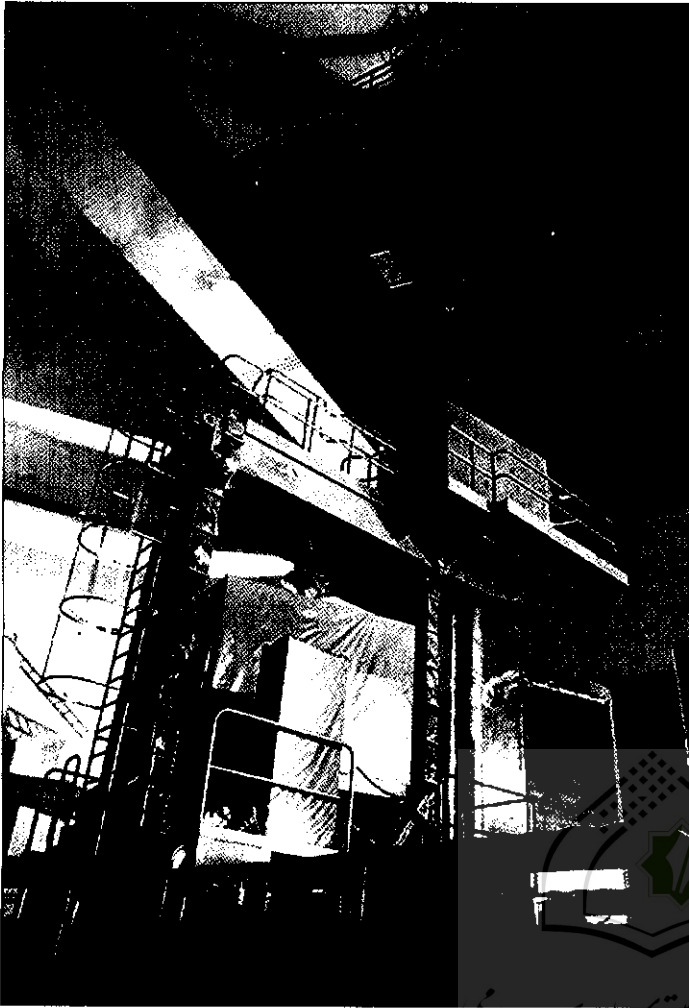
تاریخ داندلود : ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- حقوق بین الملل هوایی و فضایی / قسمت آخر
- ابعاد حقوقی میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو
- تأثیر فناوری های علمی بر توسعه و تحول حقوق بین الملل فضایی
- فضا و حقوق مخاصمات مسلحانه؛ کاربرد سلاح های ضد ماهواره ای
- قابلیت اعمال قاعده ممنوعیت توسل به زور یا تهدید به آن در فضای ماورای جو



در پرتو بررسی

قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد

جایگاه حقوقی انرژی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

● روضاحمیدزاده

قاضی دادگستری تهران و کارشناس ارشد حقوق بین الملل

کشمکش بر سر توقف یا استمرار فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بیش از چهار سال است که بین سه کشور اروپایی با حمایت ایالات متحده آمریکا از پشت پرده به شیوه مذاکره ادامه دارد. این اختلاف دیدگاه‌ها، از سطح تئوری وارد سطح عمل در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان یک نهاد تخصصی سازمان ملل متحد شده است. آژانس نیز برای حل مشکلات در حد مذاکره، با فشار ایالات متحده آمریکا، مبادرت به صدور قطعنامه‌های ضد و نقیض راجع به فعالیت هسته‌ای ایران نموده است.

از میان قطعنامه‌های گوناگون شورای حکام آژانس، بیشتر از همه، مذاکره ۳۵ کشور عضو شورای حکام آژانس در وین اتریش، مقر سازمان بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) قطعنامه ۱۱ اگوست ۲۰۰۵ میلادی شورای حکام آژانس مبنی بر محکومیت ایران به لحاظ درج «توقف فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز» از دیدگاه حقوق بین الملل دارای چالش‌های فراوانی می‌باشد که بخشی از آنها در این مقاله مورد تدقیق قرار خواهد گرفت.

بر انرژی هسته‌ای :

ماده ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای یکی از مواد کلیدی برای فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که مقرر می‌دارد: «۱- هیچ نکته‌ای در این پیمان نباید به گونه‌ای تفسیر شود که حق مسلم هم پیمانان در انجام تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح آمیز را تحت تاثیر قرار دهد. این امر باید بدون اعمال تبعیض و در مطابقت با مواد ۱ و ۲ این پیمان باشد.

۲. در تبادل تجهیزات، مواد و اطلاعات تکنولوژیکی برای مقاصد صلح آمیز، استفاده از انرژی هسته‌ای در حداکثر شکل، تمام هم پیمانان حق مشارکت داشته و متعهد به تسهیل در انجام آن می‌شوند.

۳. هم پیمانانی که توان چنین اقدامی را دارند هم چنین باید به شکل افرادی یا همراه با دیگر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی برای توسعه بیشتر استفاده از اشکال صلح آمیز انرژی هسته‌ای، خصوصاً در قلمروی دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای که وارد این پیمان شده‌اند، مشارکت ورزند.

این مشارکت با عطف توجه به نیازهای مناطق در

زیر آنها نیز مطابق معاهده مذکور تابعی از معاهده بوده و تعهدات مندرج در معاهده بر همه اعضای آن به طور یکسان به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

این در حالی که است که کشورهایی مانند پاکستان و هندوستان - که سالیان متمادی از زمان استقلال هند در سال ۱۹۴۷ میلادی با یکدیگر منازعه و درگیری دارند - به سلاح‌های هسته‌ای توسط غرب تجهیز شده‌اند. افزون بر این، آمریکا و انگلیس بیش از سه سال است که با اشغال نظامی دو کشور مسلمان افغانستان و عراق، به مدرن‌ترین سلاح‌های کشتار جمعی و سلاح‌های مخوف هسته‌ای مجهز هستند و برتری نظامی خود را به رخ همگان می‌کشند.

گفتار اول - مبانی حقوقی بین‌المللی حاکم

جمهوری اسلامی ایران دو سال پیش از محکومیت این قطعنامه بر اساس نظریه سه کشور اروپایی آلمان، انگلیس و فرانسه که نتیجتاً منتهی به توافقنامه پاریس گردید، به طور «داوطلبانه» غنی‌سازی اورانیوم را که محور اصلی فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای ایران محسوب می‌شد، متوقف ساخت. توقف داوطلبانه غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران، از این جهت بود که هر کشور عضو آن، پی. تی. (معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای سال ۱۹۶۸) دارای «حق برابر» با یکدیگر می‌باشند.

بنابراین نه تنها سه کشور اروپایی فوق‌الذکر بلکه هیچ کشور دیگری نیز نمی‌تواند تعهدات حقوقی بین‌المللی به ایران یا هر کشور دیگر عضو معاهده (NPT) بار نماید

بر یک قطعه‌نامه، این محمل حقوقی را از خود سلب و در صورت زیربار ترفتن یک کشور و خطای آن، ناچار باید دست به اعمال زور بزند که این هم خلاف خودممنشور ملل متحد به عنوان یک معاهده جهانی قاعده ساز است.

بخش سوم - راستی آزمایی

در هیچ یک از ادبیات حقوقی از جمله ادبیات حقوق بین الملل، راستی آزمایی مستلزم «تعلیق کامل غنی سازی اورانیوم» نیست. چنان که شورای امنیت در قطعنامه مذکور می گوید: «این اعتقاد را برآز می کند که چنین تعلیقی که کامل باشد، پایبندی ایران به مطالبات مطرح شده از سوی شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی را راستی آزمایی می کند». هیچ منطق حقوقی این مسئله را مورد قبول قرار نمی دهد که یک دولت از حق مسلم خود که فعالیت صلح آمیز هسته‌ای است، صرفاً برای «راستی آزمایی» یک عده از کشورهای غربی دارنده مدرن ترین سلاح‌های هسته‌ای، صرف نظر نماید. به عبارت دیگر، راستی آزمایی نباید در لافاه نقض مقررات حقوقی، پوشش عملی به خود گیرد.

گفتار سوم - تطبیق تقاضای شورای امنیت و

آژانس بین المللی انرژی اتمی با قواعد

بین المللی

شورای حکام آژانس در بند «یک» قطعنامه مورخ ۲۰ مرداد ۱۳۸۴ برابر با ۱۱ اگوست ۲۰۰۵ میلادی، در محکومیت فعالیت‌های صلح آمیز هسته ایران مقرر داشته: «با تصریح نگرانی‌های جدی خود در خصوص نامه اول اگوست ۲۰۰۵ ایران مبنی بر تصمیم برای فعالیت مجدد کارخانه یو، سی. اف اصفهان و نیز گزارش ۸ اگوست مدیر کل که اعلام داشته بود ایران در اولین بخش‌های این کارخانه کنستانتره و اورانیوم را به جریان انداخته است و هم چنین گزارش ۱۰ اگوست مدیر کل مبنی بر اینکه ایران پلمپ‌ها را از خط تولیدی برداشته که یو. اف ۴ (تترا فلوراید اورانیوم) نیز شامل آن است». همان سان که مشاهده می شود قطعنامه آژانس حتی می خواهد ریشه فعالیت هسته‌ای صلح آمیز ایران را برکنند.

اما متأسفانه گام بلند دیگر که شورای امنیت سازمان ملل به عنوان یک رکن سیاسی تصمیم گیر داشته، خطرناک‌تر است. بر این اساس، مشخص است که درخواست شورای امنیت به «تعلیق کامل غنی سازی اورانیوم» از ایران الزامی حقوقی نبوده و داوطلبانه محسوب می گردد، زیرا از دیدگاه حقوق بین الملل چنین درخواستی وجاهت حقوقی مطابق منشور ملل متحد ندارد. به همین دلیل، این تقاضای شورای امنیت نه در زمره اختیارات شورا مطابق منشور ملل متحد به حساب می آید و نه معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی ۱۹۶۸ میلادی و پروتکل الحاقی (امضاء شده در دسامبر ۲۰۰۳ میلادی توسط ایران) با آن سازگاری دارد.

بدیهی است که این حکم مندمج در قطعنامه شورای

دولت عضوان. پی. تی. تنها مواد و تسهیلات هسته‌ای برای اهداف صلح آمیز استفاده نماید.

پروتکل الحاقی هم چنین به طور ذاتی قدرت نظارتی آژانس بین المللی انرژی اتمی را برای تسهیلات هسته‌ای مخفی بوسیله فراهم کردن اختیار بازرسی آژانس نسبت به هر گونه تسهیلات - اعلام شده و نشده - جهت رسیدگی به مسائل متناقض در اعلامیه‌های یک دولت هسته‌ای گسترش می دهد. دولت عضوان. پی. تی. به تصویب یک پروتکل الحاقی نیازی ندارند، اگر چه آژانس بی المللی انرژی اتمی از همه خواست که این کار را انجام دهند.

گفتار دوم - ارزش قطعنامه ۱۶۹۶ شورای

امنیت سازمان ملل در فرآیند عمل

بخش اول - واکنش ناشی از حسن نیت ایران

در قبال قطعنامه به عنوان پیشینه اعتمادی

سازی

به نظر می رسد که حسن نیت ایران در اجازه به بازرسان آژانس - آن هم به طور سرزده - و دسترسی آسان آژانس به فعالیت هسته‌ای ایران، دلیل بزرگی برای عدم تخلف ایران از مفاد معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بوده و «تضمین عینی» است به همه دولت‌های جهان. به خصوص اجازه بازرسی در هر زمان دلخواه آژانس - تضمین بی حد و حصری است که باب را برای کشورهای هسته‌ای جهان باز خواهد کرد و به ضرر چنین کشورهایی محسوب می شود. چرا که بازرسی که وقت آن از پیش تعیین نشده باشد، بی شک تضمین بی حد و حصری است که شاید پاسخ آن در آینده برای ایران هم بسیار مشکل باشد.

بازرسی سرزده و بدون اطلاع قبلی به ایران در وضعیتی صورت می پذیرد، که دولت کانادا در حاشیه شصتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۰۵ میلادی، با صراحت اعلام می کند: اسرائیل برای حفظ امنیت خود نیازمند سلاح‌های هسته‌ای است. بدیهی است که اگر کشوری دنبال تخلف از مقررات بین المللی باشد چنین جسارتی برای «بازرسی سرزده» نمی نماید.

بخش دوم - تعلیق کامل غنی سازی اورانیوم

قطعنامه ۱۶۹۶ در بند دوم اجرایی خود مقرر می دارد: «تقاضا می کند که در این چارچوب، ایران تمامی فعالیت‌های مربوط به غنی سازی و بازفرآوری از جمله تحقیق و توسعه را تعلیق کند تا مورد راستی آزمایی آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار گیرد».

به نظر می رسد که شورای امنیت سازمان ملل متحد باید بر اساس معاهده (NPT) از دولتی که مانند جمهوری اسلامی ایران عضو معاهده مزبور است، تقاضاهایی بنماید تا رفتار کشور مورد درخواست مطابق با قواعد حقوق بین الملل تلقی شود. در حالی که این تقاضا مطابق با معاهده مذکور و حتی پروتکل الحاقی صورت نگرفته است.

شورای امنیت با حاکم کردن اراده اعضای دائم خود

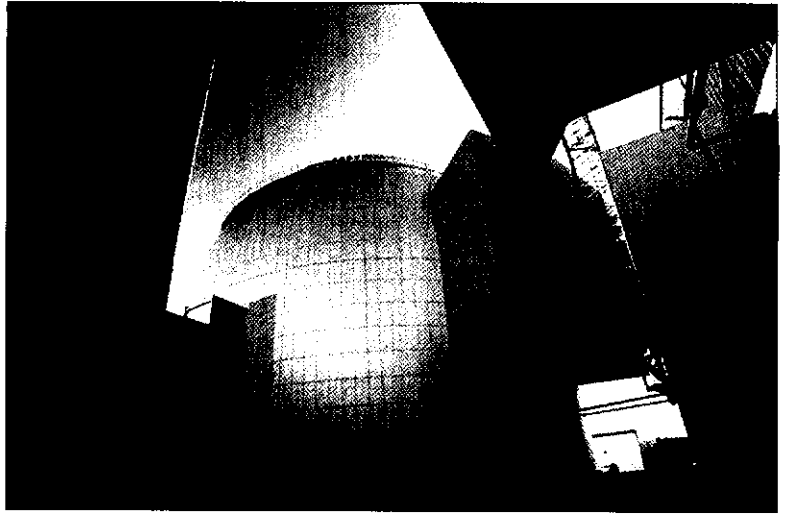
حال توسعه جهان، انجام می پذیرد. «

منطوق ماده ۴ معاهده مذکور حاکی از این است که شورای امنیت سازمان ملل متحد نمی تواند از نظر حقوقی از فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز ایران - ولو اینکه داوطلبانه باشد - جلوگیری نماید. زیر تصمیمات شورای امنیت باید مستند به قواعد بین المللی شناخته شده کنسی (معاهده) یا تدوین نشده (عرفی) باشد، در حالی که به خوبی می توان از قطعنامه شورا درک کرد که چنین قطعنامه‌ای با اوصاف فوق الاشعار از سوی شورای امنیت صادر نشده است. بنابراین قطعاً می توان گفت چنین قطعنامه‌ای مغایر حقوق بین الملل به حساب می آید. یکی از نکات مطروحه در قطعنامه ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳ آژانس بین المللی انرژی اتمی، درخواست موکد از ایران برای امضاء، تصویب و اجرای سریع و بی قید و شرط پروتکل مذکور و هم چنین اجرای موقت آن است. کار به جایی رسیده که علاوه بر ارگان بین المللی به نام آژانس بین المللی انرژی اتمی، ایالات متحد آمریکا نیز ایران را تشویق می کند که پروتکل الحاقی را امضاء نماید.

شورای حکام به عنوان رکن اجرایی یک سازمان بین المللی تخصصی، بدون در نظر گرفتن «اصل رضایی بودن پذیرش معاهدات» بر الزام ایران به تصویب پروتکل الحاقی اصرار می ورزد، تفکیک تعهدات حقوقی از الزامات اختیاری را نادیده گرفته و مغایر اصول و موازین حقوق بین الملل عمل می کند. مسئله فعالیت هسته‌ای ایران، اگر بخواهد موضوع قطعنامه شورای امنیت قرار گیرد، دست کم باید در قالب یکی از اشکال سه گانه - تهدید صلح، نقض صلح یا تجاوز - قرار گیرد.

آژانس بین المللی انرژی اتمی به عنوان رکن تخصصی سازمان ملل در این زمینه تفسیر گوناگون از فعالیت هسته‌ای ایران نموده که هیچ گاه نقض یا تهدید صلح بین المللی به شمار نیامده است. کافی است به این قطعه از تحریر آژانس دقت نمایید: «شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی می گوید اگرچه ایران در ماه دسامبر به اجرای مفاد پروتکل الحاقی پیمان منع گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای متعهد شده اما هنوز قطعنامه‌های ۲۶ نوامبر و ۱۲ سپتامبر را اجرا نکرده است» (قطعنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی درباره فعالیت اتمی ایران)

آژانس بین المللی انرژی اتمی تلاشی را در سال ۱۹۹۳ جهت محدود سازی مطلوب قدرت دول عضو معاهده ان. پی. تی. آغاز کرد تا سلاح‌های هسته‌ای غیر قانونی را بعد از برنامه‌های سلاح‌های هسته‌ای مخفی در کشورهای عراق و کره شمالی پیگیری نماید، بدین منظور که (آنها) تضمین‌های گسترده آژانس بین المللی انرژی اتمی را در معرض خطر ضعف و ناتوانی قرار داده اند. واقعا آن تلاش یک پروتکل الحاقی داوطلبانه را بوجود آورد، که برای تقویت و توسعه تضمین‌های گسترده آژانس بین المللی انرژی اتمی در قبال راستی آزمایی سلاح‌های غیر هسته‌ای



بین‌المللی در رنج نیستند؟ اگر پاسخ این سوال در حال حاضر منفی باشد، مسلماً در دراز مدت پاسخ آن منفی خواهد بود زیرا همه ملت‌های جهان از این برخورد دوگانه که آن را «بی‌عدالتی» یا «تبعیض» نهادهای بین‌المللی حافظ صلح و امنیت در جهان نام می‌نهم، بهره‌مند نمی‌گردند و یک روز هم فراخواهد رسید که دولت‌های در حال توسعه به دولت‌های توسعه یافته و دارای تکنولوژی مبدل شوند، در آن صورت دول غربی چه واکنشی در قبال ملل پیشرفته آبی جهان خواهند داشت.

اگر این روند تحقق و استمرار یابد، لازمه‌اش آن است که اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تغییر دهند و بگویند هیچ کشوری غیر از کشورهای قدرتمند که بمب اتمی ساختند و هنوز هم می‌سازند و هرکس را هم که بخواهند صاحب بمب می‌کنند، حق ندارد به سراغ انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای برود.

گفتار پنجم - عکس العمل ایران در برابر

قطعه‌نامه شورای امنیت

بخش اول - استمرار باقی ماندن در معاهده (NPT)

اگر ایالات متحده آمریکا، روسیه، فرانسه و سایر دارندگان بمب اتم از تسلیحات خود استفاده کنند، قابلیت نابودی چند باره کره زمین را خواهند داشت. این گونه تهدیدات، امنیت جهانی را به مخاطره می‌اندازد و کشورهای در حال توسعه را در راه رسیدن به صلح بین‌المللی پایدار ناامید و دلسرد می‌نماید.

مع الوصف، دولت‌های دنیای سوم در تردید هستند که آیا در کنوانسیون عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای باقی بمانند یا از آن خارج گردند؟ باید با قاطعیت ادعا کرد که هر کشوری به دنبال منافع ملی خود است و اگر با ماندن در یک معاهده بین‌المللی به این منافع لطمه وارد آید، شکی نیست که آن کشور رغبتی در استمرار همکاری با کشورهای دیگر عضو معاهده مزبور ندارد. به همین دلیل است که کره شمالی در سال ۲۰۰۶ میلادی خروج از معاهده منع گسترش را بر استمرار فعالیت در چارچوب معاهده مزبور ترجیح داد. اینک نوبت ایران است که تصمیم بگیرد که چه بهره‌ای از عضویت در معاهده منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای عایدش می‌گردد که این همه الزامات حقوقی بین‌المللی را متحمل می‌گردد.

بخش دوم - خروج از معاهده و نفی تبعیض در برخورد با ایران

جمهوری اسلامی ایران از سوی برخی گروه‌ها و از جمله کارشناسان حقوقی در داخل کشور برای ترک معاهده ان. پی. تی. و عضویت در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحت فشار است، اما دولت بر راه حل منطقی و مسالمت‌آمیز اصرار می‌ورزد. ماده ۱۰ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸ به شکل زیر مقرر می‌دارد: «هر دولت عضو که تشخیص دهد حوادثی غیر عادی مرتبط با موضوع این معاهده رخ داده که منافع عالی آن را در معرض خطر قرار داده

هسته‌ای یا از بین بردن یا منع تکثیر سلاح‌های اتمی پیش نمی‌رود زیرا به تازگی فدراسیون روسیه با صراحت اعلام کرده است که در حال ساخت مدرن‌ترین سلاح‌های هسته‌ای است و ایالات متحده آمریکا بیان داشته که سلاح‌های هسته‌ای فوق‌الترونیکی می‌سازد. با تاسف توأم با شگفتی باید اذعان نمود که، هیچ کشور بزرگی نسبت به اقدام فدراسیون روسیه و ایالات متحده آمریکا واکنش مثبتی از خود نشان ندادند. این در حالی است که روسیه در یک جای دیگر اعلام کرده بود که قدرت دارد با داشتن سلاح‌های اتمی فعلی ۶۰ بار کره زمین را با خاک یکسان کند. نظیر همین ادعا را ایالات متحده آمریکا مبنی بر اینکه - ۸۲ بار می‌تواند کره زمین را نابود سازد - کرده بود.

بخش دوم - پیامدهای دوگانه‌سازی قواعد بین‌المللی مربوط به فعالیت هسته‌ای

شورای امنیت سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تبعیت از دول غربی بویژه ایالات متحده آمریکا، خواستار این هستند که ایران را از همه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای محروم سازند، با این که از اراده آنان و در پی آن اقدامات شان در معایرت با ماده ۴ معاهده ان. پی. تی. جلوه گر شده است. این در حالی است که بسیاری از کشورهای مطلوب دول غرب از جمله دولت اشغالگر اسرائیل - که هم اکنون دارای ۲۵۶ کلاهک هسته‌ای است - پاکستان، هندوستان و نظایر آنها، به داشتن فعالیت‌های هسته‌ای غیر مجاز و ساخت و تولید سلاح‌های اتمی مورد تشویق قرار می‌گیرند.

بدیهی است که دول در حال توسعه و بویژه دولت‌های خاورمیانه که ایران از میان آنها به فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای دست یافته است، کمتر نگران افزایش سلاح‌های اتمی در جهان هستند، در حالی که بیشتر از تبعیض برخورد سازمان‌های بین‌المللی حافظ صلح و امنیت رنج می‌برند که پیامد ناگوار ناشی از بی‌عدالتی در برخورد با کشورهای صاحب تکنولوژی هسته‌ای متوجه ملت‌های ضعیف می‌گردد. آیا ملت‌های قدرتمند از این تبعیض و بی‌عدالتی

امنیت نشأت گرفته از اختیارات ضمنی آن، هرگاه که با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در تعارض افتد، لغو و بی‌اساس خواهد بود. خوشبختانه ماده ۴ معاهده مذکور فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را برای همه کشورهای جهان قانونی شناخته است که هیچ کشور و یا نهاد بین‌المللی قادر به نسخ آن نخواهد بود.

گفتار چهارم - دوگانه سازی قواعد انرژی

هسته‌ای در حقوق بین‌الملل و پیامدهای ناگوار آن

بخش اول - معیار شبهه انگیز برای تمام کشورهای عضو NPT

واضح است که معیار شبهه انگیز قطع کامل فعالیت‌های هسته‌ای توسط برخی کشورهای عضو ان. پی. تی. مطابق درخواست دول قدرتمند غربی عضو این معاهده، معیاری غیر قابل پذیرش خواهد بود. علت این است که اراده ملل و اکثریت دول جهان بر آن قرار گرفته که معیاری مورد پذیرش نهادهای بین‌المللی یا حداقل مطابق با معاهده ان. پی. تی. و مقررات مندرج در آن برای دول عضو پیش‌بینی گردد تا ضمن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی حافظ منافع ملی کشورهای عضو معاهده مذکور نیز باشد.

اگر این خواسته دول بزرگ عضو ان. پی. تی. را بپذیریم، شکی نیست که دامنه این تقاضا خود دولت‌های بزرگ را نیز در بر خواهد گرفت و آنان نیز حق فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را ندارند. از سوی دیگر، کشورهای در حال توسعه نیز گرفتار چنین تقاضای مغایر با حقوق بین‌الملل دول بزرگ جهان خواهند شد لذا باید معیاری شفاف و مطابق با مقررات بین‌المللی از سوی همه کشورهای عضو ان. پی. تی. در پروتکل الحاقی یا هر سند بین‌المللی مورد توافق دیگر تنظیم گردد. علیهذا، هم فعالیت‌های هسته‌ای استمرار یابد و منافع حاصل از آن همه کشورهای جهان را در برگیرد و هم انحراف فعالیت‌ها به سوی سلاح‌های هسته‌ای ممنوع گردد. مسلم است که جهان به سمت کاهش سلاح‌های

نیست که کشور ایران در سه سال پیش، مطابق با کدام درخواست حقوقی شناخته شده بین‌المللی مبادرت به تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی اورانیوم خود کرده است...

بخش دوم - حق جمهوری اسلامی ایران در قبال قطعنامه

ملت ایران همواره در صدد گرفتن حق مسلم فعالیت هسته‌ای صلح‌آمیز خود قدم برداشته و در اندیشه‌ها و رفتارها این مدعا را ثابت نموده است. شایسته این است که مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران، ابتدا ملت را پیشتاز امر نمایند نه خود را زیرا اگر ملت ایران در صحنه اول گرفتن حق خویش مبنی بر فعالیت هسته‌ای صلح‌آمیز برآید، هیچ مقام

روسیه در یک جای دیگر اعلام کرده بود که قدرت دارد با داشتن سلاح‌های اتمی فکلی ۶۰ بار کره زمین را با خاک یکسان کند. نظیر همین ادعا را ایالات متحد آمریکا مبنی بر اینکه - ۸۲ بار می‌تواند کره زمین را نابود سازد - کرده بود

بین‌المللی نمی‌تواند وی را از حقوق حقه و خدشته ناپذیر خود محروم سازد. ولی متأسفانه در دولت گذشته، همیشه مسئولین خود را پیش انداخته و در صدد حل مشکل پرونده هسته‌ای ایران برآمدند و هیچ‌گاه به نتیجه مطلوب نائل نگشتند.

بند اول- طبق معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

ماده ۴ معاهد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸ میلادی، بر اصل «عدالت و بهره‌مندی همه کشورها از حقوق صلح‌آمیز هسته‌ای» دفاع می‌کند. بر اساس این اصل می‌توان قاطعانه ادعا کرد که هیچ کشوری و هیچ نهاد بین‌المللی حق سلب «حقوق مشروع و عادلانه» از دولتی را ندارد. با سیاسی کردن موضوع نیز نمی‌توان سرپوشی بر فعالیت‌های نامشروع و غیر حقوقی دول غربی گذاشت و حق مسلم کشورهایی مانند ایران را نادیده انگاشت.

قطعنامه ۱۱ آگوست ۲۰۰۵ شورای حکام در بند «ز» حکم خود «به رسمیت شناختن حق دولت‌ها در توسعه و کاربرد انرژی اتمی برای مصارف صلح‌جویانه شامل تولید انرژی الکتریسیته، منطبق بر تعهد مبنی بر عدم انحراف فعالیت‌ها و با ملاحظه نیازهای کشورهای در حال توسعه» تاکید کرده است. باید گفت که از یک طرف آژانس و شورای حکام در قطعنامه مذکور به عدم انحراف فعالیت‌های هسته‌ای ایران به سمت انحراف منطقیه ممنوعه ادعان و اعتراف می‌کنند اما از سوی دیگر از ایران می‌خواهند که فعالیت‌های هسته‌ای حتی تحقیقات هسته‌ای خویش را معلق سازد.

ایران نیز بارها از قول ملت خود به تمام نهادها بین‌المللی اظهار داشت که ایران از حق مسلم خود کوتاه نخواهد آمد، پس شورای امنیت و آژانس باید ملاک‌های قابل قبول بین‌المللی را به ملت ایران عرضه

خصوصی داخلی خود به رفع نیاز کارخانه‌های مهم خود در دنیا پردازند.

گفتار ششم - وظیفه یا حق جمهوری اسلامی ایران در خصوص قطعنامه

بخش اول-وظیفه جمهوری اسلامی ایران در قبال قطعنامه

در خصوص وظیفه جمهوری اسلامی ایران در قبال قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید خاطر نشان کرد که ایران دو وظیفه اساسی در قبال نهاد‌های بین‌المللی و قطعنامه‌های صادره آنها دارد.

بند اول - در قبال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

ایران با توصیه شورای امنیت و آژانس در قبال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تنها در «چارچوب اساسنامه» آژانس، وظیفه همکاری در خصوص فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای دارد. این وظیفه در قالب بازرسی‌های مکرر و سرزده که آژانس از فعالیت‌های هسته‌ای ایران مطابق با مقررات بین‌المللی انجام داده و می‌دهد یکی از موارد بارز

همکاری ایران با آژانس به شمار می‌آید. باید گفت که اگر توجه ایران در خصوص تعلیق غنی‌سازی داوطلبانه اورانیوم برای اعتماد سازی بوده است، چرا باید اعتماد سازی یکجانبه باشد و چنانچه دلیل ایران این است که با آژانس در حال همکاری است، واضح است که تعلیق داوطلبانه شامل همکاری با آژانس نمی‌گردد.

بند دوم- در قبال شورای امنیت

از یک سو، در خصوص همکاری ایران با سه کشور اروپایی آلمان و انگلستان و فرانسه باید با قاطعیت ادعان کرد که آنان نیز به مانند کشور ایران، اعضای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای - در یک مرتبه عرضی - هستند، و لذا از این حیث هیچ‌گونه برتری حقوقی بین‌المللی بر کشور ایران ندارند. افزون بر این، سه کشور مذکور در زمره هیچ نهاد بین‌المللی به شمار نیامده‌اند. پس دلیل حقوقی وجود ندارد که ایران به عنوان یک کشور مستقل و عضو کامل معاهده مذکور باید نظر موافق این سه کشور را جلب کند.

اما از سوی دیگر، هیچ مقرر بین‌المللی تدوین شده و حتی حقوق بین‌الملل عرفی نیز با این امر سازگاری ندارد که شورای امنیت بدون این که سه مقوله «تهدید بر صلح، نقض صلح، تجاوز» یک دولت را مطابق با مقررات منشور ملل متحد احراز نماید، الزام حقوقی جدیدی برای یک دولت ایجاد نماید. اگر اعضای دائم شورای امنیت از میان اتحادیه اروپا و یا هر کشور دیگری داعیه نظارت یا جلب همکاری کشوری را در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای خود با آنان دارد، باید اقدامات یا تقاضاهای خود را با مقررات بین‌المللی منطبق سازند، در حالی که چنین تقاضایی با این وصف هیچ‌گاه از هیچ کشور نهادی از جمله شورای امنیت از ایران صورت نگرفته است. لہذا معلوم

است، در اعمال حاکمیت ملی خود حق دارد از معاهده خارج شود. این دولت باید تصمیم خود را سه ماه قبل از خروج، به سایر دولت‌های عضو و شورای امنیت سازمان ملل متحد اطلاع دهد. این اطلاعیه باید متضمن بیان حوادث فوق العاده‌ای باشد که آن دولت را به عنوان به خطر اندازنده منافع عالی خود تلقی کرده است و لذا قابلیت اعمال داشته و مبنایی متیقن برای اثر بخش نبودن اعمال آن وجود ندارد.

به عنوان نمونه باید دید که کشوری به نام کره شمالی که در سال ۲۰۰۱ میلادی از کنوانسیون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج شده، متوجه چه ضررهایی گشته است؟ مسلماً سودهای فراوانی عاید کشور کره کره شمالی شده است زیرا از یک طرف کره جنوبی و از طرف دیگر ژاپن و از سوی سوم دول غربی بویژه آمریکا و اتحادیه اروپا که از مخالفان این کشور بودند، تنها می‌توانند به تحریم اقتصادی و روابط بازرگانی و تجاری با کره شمالی مبادرت ورزند.

اما شرکت‌های خصوصی همین کشورهایی که وارد تحریم اقتصادی با یک کشور می‌شوند، ابراز تمایل برای همکاری اقتصادی و بازرگانی با کشور تحریم شده می‌کنند. مضاف بر این، کشورهای دیگری هستند که بازارهای بزرگ و تشنه خرید کالا و فروش مواد اولیه به کشورهای دیگر باشند. از سوی همسان کشورهای قدرتمند از لحاظ نفت، اورانیوم و مواد دیگر به کشور تحریم شده نیازمند هستند که ناچارند با وجود وضعیت بحرانی از طریق شرکت‌های



دارند تا فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، هم چنان پایدار باقی بماند و به نظر می‌رسد راه سومی وجود ندارد.

بند دوم - طبق قواعد حقوق بین‌الملل عام

بر اساس حقوق بین‌الملل عام (۱۳) تبعیض در ایجاد و اجرای قواعد بین‌المللی راجع به هیچ حوزه‌ای که تحت شمول حقوق بین‌الملل است، از جمله فعالیت هسته‌ای به رسمیت شناخته شده نیست. به عبارت دیگر، بر پایه حقوق بین‌الملل عام نیز کسی نمی‌تواند ادعا کند که «آپار تاید هسته‌ای» مورد حمایت این گونه مقررات بین‌المللی می‌باشد. لذا باید جامعه بین‌المللی ضمن این که حق کشورهای جهان - اعم از عضو یا غیر عضو معاهده ان. پی. تی. - را به رسمیت می‌شناسد، در عین حال کشورهای دارای سلاح هسته‌ای را ملزم به خلع سلاح هسته‌ای نماید. در غیر این صورت، مقررات بین‌المللی همچون برخی نهاد‌های بین‌المللی در چشمان ملت‌ها بی‌اثر خواهد بود و هیچ ملتی بدان چشم امید نخواهد بست.

نتیجه

با عنایت به آنچه گفته آمد، چیزی که در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران مهم و اساسی جلوه می‌کند، این است که آژانس انحراف فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به سوی مقاصد نظامی تأیید کند. آیا این امر در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران تحقق یافته است تا مغایر با مقررات معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸ و پروتکل الحاقی آن شناخته شود؟ بدیهی است که آقای محمد البرادعی دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تاریخ ۴ سپتامبر ۲۰۰۵ میلادی برابر ۱۳ شهریور ۱۳۸۴ سرانجام اعلام کرد: «الودگی با غنای بالا که مهم‌ترین اتهام در باره برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران بود، به طور کامل حل و فصل شده و به این ترتیب ادعای ایران که از دو سال پیش بارها با آژانس و اروپایی‌ها اعلام شده بود، ثابت شد».

با این وصف، شورای امنیت، آژانس و کشورهای اروپایی هیچگاه نمی‌توانند بر طبق مقررات حقوقی به ایران و فعالیت‌های هسته‌ای آن اشکال وارد نمایند، لهذا ایران نباید در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای خود رشته کار را به دست کشورهای دیگر دهد یا مغایر با معاهده ان. پی. تی. به درخواست‌های نامشروع و غیرحقوقی دول غربی تن در دهد.

ایالات متحده آمریکا، انگلیس، فرانسه و همه کشورهای قدرت طلب بدانند ایران تصمیم خود را در کسب انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای گرفته است و این حق را بر پایه مقررات بین‌المللی، برای همه کشورهای عضو آژانس انرژی هسته‌ای به رسمیت می‌شناسد و تأکید می‌کند که ایران همواره بر ضد سلاح اتمی در سطح جهان و مخصوصاً منطقه بحران زده خاورمیانه اصرار دارد اما این بدان معنا نیست که اجازه دهد تا دیگر کشورها که بر اساس ماده ۶ معاهده NPT ملزم به اقدام جهت ایجاد ترتیبات موثر به منظور خلع سلاح

هسته‌ای هستند، قواعد بین‌المللی را زیر پا بگذارند. رامش تاکور، محقق خلع سلاح در موسسه خلع سلاح سازمان ملل متحد، در خصوص این آزمایش‌ها می‌گوید: «این آزمایش‌ها هم چنین موید منطقی مشابه عدم گسترش و خلع سلاح هستند. سلاح‌های هسته‌ای غیر ضروری هستند (می‌توان آلمان و ژاپن را به عنوان نمونه مطرح نمود) و غیر کافی (پاکستان و کره شمالی) و نمی‌توان صرفاً برای ایفای نقش یک بازیگر موثر در دیپلماسی مدرن بدان توسل جست. هیچ یک از کشورهای هسته‌ای که ان. پی. تی. را در ۱۹۶۸ امضا نمودند، این سلاح‌ها را کنار نگذاشته‌اند. آنها در مورد خلع سلاح هسته‌ای «حرف» می‌زنند اما به شیوه‌ای دیگر «عمل» می‌کنند. پنج عضو دائمی در تلاش جهت توقف گسترش سلاح‌های هسته‌ای از شورای امنیت سازمان ملل به عنوان مرکز سیستم اجرایی نظام حقوقی بین‌المللی استفاده می‌کنند».

در پایان به نکات اصلی قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت بر ضد برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران می‌پردازیم:

رویتزر نکات اصلی قطعنامه ضد ایرانی شورای امنیت سازمان ملل متحد را که شنبه ۲ دی تصویب شد، منتشر کرد.

به گزارش خیرگزاری مهر، نکات اصلی قطعنامه ۱۷۳۷ که علیه فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران تصویب شد؛ به این شرح است:

* این قطعنامه به بند ۴۱ فصل ۷ منشور سازمان ملل

متحد که اجرای آن را الزام آورمی کند، اما اقدام نظامی را مستثنی می‌کند، استناد می‌کند.

* همه کشورها باید مواد و فناوری را که می‌تواند به فعالیت‌های مربوط به راکتور آب سنگین یا بازفرآوری و غنی سازی یا به توسعه سیستم‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای ایران کمک کند، ممنوع کنند. این ممنوعیت در زمینه صادرات و واردات اعمال می‌شود.

* کشورهای خاص می‌توانند از قضاوت خود در ممنوعیت آیت‌های دو منظوره در صورتی که به

فعالیت‌های هسته‌ای ممنوعه ایران کمک کنند، استفاده کنند، اما باید کاربرد و مکان آنها بازبینی شود و به اطلاع کمیته تحریم‌های شورای امنیت برسد.

* تجهیزات برای راکتورهای آب سبک و اورانیوم با درجه غنی شده پایین در عناصر سوخت هسته‌ای اتبانه شده در این پیش نویس مستثنی شده است (راکتور آب سبک ۸۰۰ میلیون دلاری که روسیه هم اکنون در حال احداث در بوشهر است، مستثنی شده است).

* اعمال ممنوعیت سفر و ضبط بودجه و دارایی‌های

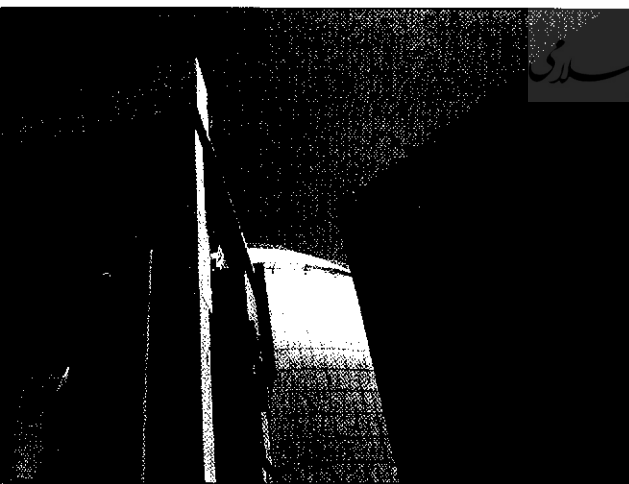
مالی متعلق یا تحت کنترل شرکتها و افراد مرتبط با برنامه موشکی یا هسته‌ای ایران، اما استثناهایی برای این توقیف اموال وجود دارد که شامل معاملاتی است که در قراردادهای پیشین صورت گرفته است.

* این توقیف اموال شامل ۱۰ سازمان و موسسه از جمله سازمان انرژی اتمی ایران و شرکت‌های طرف معامله با برنامه‌های سانتریفوژ، راکتور آب سنگین اراک و سایت آزمایشی غنی سازی اورانیوم نطنز است، اما سازمان صنعت هوافضا که موشک تولید می‌کند در دقیقه آخر با اصرار روسیه از متن قطعنامه حذف شد، اما شرکت‌های تابعه آن همچنان در فهرست قرار دارند.

* ۱۲ فرد نامبرده شامل معاون رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در امور تحقیق و توسعه، مقام‌های مرتبط با سایت‌های اراک و نطنز و راکتور دانشگاه فناوری دفاعی مالک اشتر است.

* ممنوعیت اجباری سفر در متن قطعنامه حذف شد و هم اکنون (این قطعنامه) از کشورها می‌خواهد کمیته تحریم‌های شورای امنیت را از عبور هر فرد یا نماینده گروه‌هایی که در فهرست ضمیمه قطعنامه ذکر شده، از مرزهای خود مطلع کند.

* تحریم‌ها در صورتی می‌توانند لغو شوند که محمد البرادعی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مشخص کند که ایران فعالیت اورانیوم خود را معلق و تلاش‌ها برای تولید یک راکتور انرژی هسته‌ای آب سنگین را متوقف کرده و به مذاکرات بازگشته است. وی ظرف ۶۰ روز پس از تصویب قطعنامه، گزارش



خود را ارائه خواهد داد.

* تحریم‌ها در صورتی می‌توانند لغو شود که ایران به همه دستورات شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی احترام بگذارد، اما اگر ایران این درخواست را اجرا نکند، تدابیر اضافی لحاظ خواهد شد.^۱

پی‌نوشت‌ها:

۱ - مفاد جدیدترین قطعنامه شورای امنیت در مورد برنامه هسته‌ای ایران